

بسود انقلاب و زحمتکشسان، برنامه مشخص

ارائه دهید

بهناسبت هجدهمین سالگرد قیام تاریخی
۱۵ خرداد - قسمت اول

قیام خلق
به رهبری امام خمینی
چگونه آغاز شد؟

صفحه ۴

شود و از این طریق به اطلاع مردم رسانده شود و خواه مستقیماً مردم را گذار کرده، تنها در صورتی میتواند بخیر و صلاح انقلاب و کشور تمام شود، که مردم بهایت این اختلافات پی ببرند و راهحلهای را که هر یک از دو طرف اختلاف ارائه میدهند، با میزان تطابق آنها با منافع خلق و انقلاب و مین بسنجند، یک طرف را محق و دیگری را محکوم بدانند. با کمال تأسف ما میبینیم که آنان که بیشتر از همه برای رجوع مردم سنگ بسینه میزنند، کمتر از همه برنامهها و راهحلهای مشخص درباره مسائل مورد اختلاف بقیه در صفحه ۷

اختلاف در بین مسئولان طراز اول جمهوری هست. اینرا همه میدانیم. هیئت حل اختلاف نیز فرمان امام خمینی تشکیل شده است، تا بموارد اختلاف رسیدگی کند و خطای را بمرم و در صورت لزوم بمرامج قضائی معرفی کند. برخی عقیده دارند، که بجای هیئت حل اختلاف باید مستقیماً به مردم رجوع کرد. نظرات دیگری نیز از جانب افراد و گروههای دیگر برای حل اختلاف پیشنهاد شده است. اما بنظر ما آنچه بیشتر از شیوههای حل اختلاف اهمیت دارد، تعیین موارد اختلاف است. قضاوت درباره اختلافات، خواه به هیئت حل اختلاف رجوع



شماره ۵۲۶ - سه شنبه ۱۲ خرداد ۱۳۶۰ - دوره هفتم، سال سوم
۲۸ رجب ۱۴۰۱ - بها: ۱۵ ریال

از برنامه حزب توده ایران برای تثبیت، تحکیم و گسترش همهجانبه انقلاب
ضدامپریالیستی و مردمی ایران:

صنایع و معادن

در داخل کشور آغاز می شود. اهمیت این برداشت را نقش بی اندازه مثبت یگانه واحدهای صنعتی که در این عرصه بوجود آمدهاند، یعنی مجتمع ذوب آهن اصفهان، کارخانههای ماشین سازی ارک و تبریز و کارخانه تراکتور سازی که همه در چارچوب همکاری فنی و اقتصادی با کشورهای سوسیالیستی ساخته شده و برخی در اثر سیاست نواستعماری متله گردیدهاند، نشان می دهد.

بوده و زیانهای دردناک آن را امروز که کشور ما می خواهد در راه گسستن زنجیرهای وابستگی اقتصادی گام بردارد، با گوشت پوست خود احساس می کنیم. یگانه راه تامین استقلال اقتصادی مین (که پایه تامین استقلال در زمینههای دیگر نیز هست) از گسترش همهجانبه صنایع سنگین و بهره گیری حداکثر از منابع و ثروتهای طبیعی

روند صنعتی کردن کشور، در دوران تسلط رژیم وابسته سلطنتی، تنها با سمت گیری در جهت تامین سود حداکثر برای انحصارهای سرمایه داری کشورهای امپریالیستی و طبقه غارتگر سرمایه دار وابسته ایران انجام گرفت و سر تا پا پیماز است. گسترش بی بندوباز صنایع موتاز که بخش عمدهای از صنایع کشور را تشکیل می دهند در همین سمت

توسط هیئت ۳ نفره حل اختلاف:
روزنامه های «میزان» و «انقلاب اسلامی»
رسماً متخلف اعلام شدند
پرتیس جمهور نیز متخلف از فرمان امام خمینی و
قانون اساسی اعلام شد.

ایندیرا گاندی:

مردم هند برای دوستی و همکاری همه جانبه با اتحاد شوروی ارزش والایی قائل هستند

شخصیت های سرشناس اقتصاد شوروی در دهلی بزبان آورد روی تاکید کرد:
«دوستی میان دو کشور بر پایه علاقمندی مشترک آنها به پیشبرد صلح و تقاض متقابل میان کشور های دارای نظام های اجتماعی گوناگون استوار است»

ایندیرا گاندی، نخست وزیر هند، گفته است که مردم کشور او «برای دوستی و همکاری همه جانبه با اتحاد شوروی ارزش والایی قائل هستند، این دوستی و همکاری از بوته آزمایش زمان گشته است».

ایندیرا گاندی این سخنان را در مجلسی به اقتضای برخی از

وزارت آموزش و پرورش:
روز جهانی کودک
را به اعتراض
عمومی علیه
آمریکای جنایتکار
ورژیم فاشیست
عراق تبدیل کنیم
صفحه ۴

تجاوز گران صدای از مواضع نزدیک دهلران عقب نشینی کردند

تیربار، یک خودرو حامل مهمات و دو خودرو دیگر، یک انبار مهمات و یک بولدوزر دشمن توسط رزمندگان انقلاب منهدم شد و به دو دستگاه تانک دشمن نیز خسارتی وارد آمد.
بر اساس این گزارش، شهر آبساران همچنان زیر آتش توپخانه و سلاحهای سنگین دشمن قرار داشت که خسارات و ضایعاتی را نیز به همراه داشت. نیروهای متجاوز صدام در منطقه دهلران قصد پیشروی بسوی موانع ما را داشتند که رزمندگان انقلاب

جبهه های غرب و جنوب کشور، همچنان شاهد لاوریهای رزمندگان جمهوری اسلامی ایران است. در دو روز گذشته رزمندگان انقلاب موفق شدند، بخش دیگری از مواضع دشمن تجاوزگر را در این جبهه ها منهدم کنند.
به موجب اطلاعاتی ۵۸ ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران در دو روز گذشته تبادل آتش در جبهه های آبساران - دارخوین و خرین شهر ادامه داشت که در جریان آن ۴ تانک، حدود ۲۰ سنگر انفرادی و گروهی و

«شورای همکاری خلیج» پایش در آمد اتحاد نظامی جدید در منطقه خلیج فارس

منطقه، بیش از هر چیز به مسائل نظامی و تسلیحاتی توجه دارد، یعنی همان مسائلی که بتواند مواضع این رژیم را برای دفاع از منافع امپریالیسم آمریکا و حفظ خود و ستیزه جوئی با کشورهای مستقل ملی و جنبشهای رهایی بخش خلقهای این منطقه تقویت کند.

«شورای همکاری خلیج»، که هفته گذشته با ابتکار و سازمان دهی فعال عربستان سعودی تشکیل یافته، بر زمینه فعالیتها گستردهای بوجود آمده، که طی چند ماه گذشته عربستان سعودی برای تشکیل یک پیمان نظامی با اشکال و ترکیبهای گوناگون انجام داده است. زمامداران عربستان سعودی طی این مدت با سران رژیمهای ضد خلقی و سرسپرده های از قبیل ضیاءالحق، سلطان قابوس، سادات و نمایندگان رژیم خائن صدام در عراق تماسها و مذاکراتی داشته، که در تمامی آنها مسائل تسلیحاتی و نظامی و بطور مشخص مسئله تشکیل یک پیمان نظامی مطرح بوده است.

علاوه بر اینها، وزارت دفاع و «سیاه ای آمریکا، طی متجاوز از دوسالی که از پیروزی انقلاب شکوهمند مردم ایران و استقرار نظام جمهوری اسلامی در مین مامیکند، همواره در کار فراهم کردن زمینه مساعد برای تشکیل یک اتحاد بزرگ سیاسی - نظامی از مجموعه رژیمهای ضد خلقی و سرسپرده خود در این منطقه بوده اند، که علاوه بر کشورهای عربی خاورمیانه و حوزه خلیج فارس، پاکستان، سومالی، تونس و سودان را نیز شامل شود.

گسترش پایگاههای نظامی و حضور نظامی آمریکا در این کشورها، تقویت بنیه تسلیحاتی و نظامی و دادن اعتبارات جدید تسلیحاتی به آنان از مقدمات تشکیل یک چنین اتحاد شوم و خطرناکی است که امپریالیسم آمریکا قصد دارد علیه کشورهای مستقل ملی این منطقه و قبل از همه جمهوری اسلامی ایران، جمهوری دیمکراتیک افغانستان و کشورهای عضو جبهه پایداری، بوجود آورد.
بدین ترتیب، تشکیل «شورای همکاری خلیج»، که تلاش شده است ظاهری صلح جوینانه و بدور از هدفهای سیاسی و نظامی به آن داده شود، بدون تردید از حلقه های واسط برای تحقق طرحهای نظامی امپریالیسم آمریکا و رژیمهای ضد خلقی و وابسته به آن در منطقه است.

طبق گزارش خبرگزاریها، در هفته گذشته عربستان سعودی و حکام پنج امیرنشین منطقه خلیج فارس، در یک گردهم آیی در ابوظبی تحت عنوان «شورای همکاری خلیج» اتحادی تشکیل دادند.

در منشوری که در این گردهم آیی از جانب عربستان سعودی و امیرنشینهای خلیج فارس در ابوظبی به امضاء رسید، اعضای این «شورا» در زمینه های امور مالی، تجاری، ارتباطات، آموزش و پرورش، بهداشت، امور اجتماعی، اطلاعاتی، جهانگردی و حتی اجرائی و قانونگذاری، سیستم های واحد و یکپارچه ای را تشکیل خواهند داد. اعضای این «شورا» در زمینه های علمی و تکنولوژی، استخراج معادن و کشاورزی همکاریهای خود را توسعه خواهند داد. در این منشور از مسائل نظامی و دفاعی و همکاریهای اعضای این «شورا» در این زمینه ها سخنی ذکر نشده است. اما با توجه به مواضع سیاسی و موقعیت استراتژی-جغرافیایی اعضای این «شورا» و نیز با توجه به نقش برتر و سازماندهی عربستان سعودی در این «شورا» اهداف نظامی آنرا نمیتوان از نظر دور داشت.

همکاری عربستان سعودی و پنج امیرنشین خلیج فارس در تمام زمینه های مربوط به امور اقتصادی و اداری و سیاسی خود در یک سیستم واحد، در واقع این «شورا» را بصورت فدراسیونی از عربستان سعودی و امارات خلیج فارس درمی آورد. با توجه به امکانات مالی و نقش عربستان سعودی در میان کشورهای عربی این منطقه و ماهیت رژیم حاکم و مواضع سیاسی آن، میتوان چنین نتیجه گرفت که تشکیل «شورای همکاری خلیج» مقدمه ایست برای تحقق طرح تشکیل پیمان نظامی جدید از کشورها و امیرنشینان خلیج فارس، که مدتهاست از جانب وزارت دفاع ایالات متحده آمریکا، به اشکال مختلف عنوان شده است.

رژیم عربستان سعودی خود نیز دیرزمانیست که این طرح را با نامهای گوناگون از قبیل، «پیمان دفاعی»، «پیمان امنیت مشترک» و غیره پیشنهاد کرده است. همین سه ماه پیش ولیعهد عربستان سعودی در دیدار خود از امارات متحده عربی و دیگر شیخ نشینان خلیج فارس این پیشنهاد را مطرح کرد.

عربستان سعودی اکنون بزرگترین خریدار جنگ افزار از آمریکا و دیگر دول امپریالیستی، در منطقه است و خود نیز بخش شایان توجهی از هزینه ها و کمکهای نظامی و تسلیحاتی آمریکا به رژیمهای دست نشانده در منطقه را بعهده گرفته است. رژیم عربستان سعودی بخشی از اعتبارات برای تقویت نیروی نظامی سادات در مصر، سلطان قابوس در عمان، ضیاءالحق در پاکستان را از درآمدهای نفتی خود تامین میکند و این خود مویذ این واقعیت است که رژیم عربستان سعودی در روابط خود با رژیمهای طرفدار آمریکا در این

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، دهستان و...

تازه‌های روز

فتودالها جنایت می‌کنند و...

یکی از فتودالهای روستای آبسردان بخش لوداب از توابع بویراحمده، روستائی را که برای جمع‌آوری علوفه رفته بودند، به قتل میرساند و می‌گریزد. این جنایتکار، که حبیب بهادر نام دارد، قبلاً نیز یک روستائی دیگر را به قتل رسانده بود.

فتودالها بسیار جسور شده‌اند و بر کشتار بیرحمانه دهقانان زحمتکش، که دیگر نمی‌خواهند زیر بار زورگویی و غارت بزرگ مالکان و فتودالها بروند، افزوده‌اند. این زالوهای اجتماع «آریامیری» از اینکه موقعیت غارتگرانه و غاصبانانه خود را در معرض خطر جدی می‌بینند، بشدت به وحشت افتاده‌اند و با نشان دادن چهره واقعی خود، از هیچ جنایتی برای احیای دوران پیشین، روگردان نیستند. توقف اجرای بند «ج» و بند «د» آنها را در جنایات و تعدیات خود جری‌تر و جسورتر ساخته و در قلب تیره‌وجگین آنها، آمیدی عبث برای غلبه بر انقلاب و خواست دهقانان محروم، آفریده است.

حقایق نشان داده‌است که توقف بند «ج» و «د» قانون اصلاحات ارضی، به‌بوجود، محیط تشنج، زورگویی و غارت را در روستاها از میان نبرده، بلکه آنها تشدید کرده‌است. از آن هنگام تا بحال، ده‌ها دهقان حق‌المب، بر اثر توطئه فتودالها، یا کشته و یا مضروب گشته‌اند.

پسود انقلاب، عدالت و محرومان است که هر چه سریع‌تر بند از ای بند «ج» و «د» برداشته شود و ریشه غارتگران و جنایتکاران از روستاهای کشور برکنده گردد.

... خرمن‌ها را میسوزانند

برداشت محصول نزدیک است و میلیونها دهقان زحمتکش و انقلابی، که زمین‌ها را به سنگ‌تبدیل کرده‌اند و ماهها روی آنها جان کنده‌اند، اکنون در انتظار برداشت محصولند که چون خاری در چشم دشمن متجاوز، امپریالیسم آمریکا و متحدان داخلی آنها، فرو میرود. با رشد خوسه‌های گندم و نزدیکی برداشت محصول، فتودالها و ضدانقلاب به تکاپو افتاده‌اند. آنها که پیروزی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را شکست و ناکامی خود میدانند و از رقص خوسه‌های گندم، اگر دست‌رنج دهقان و متعلق به او و در خاک ایرانی مستقل، آزاد و آباد باشد، متنفرند، به ایفای نقش شوم خود برخاسته‌اند و دور از چشم مردم، آتش در خرمنها می‌افکنند، بر پشت انقلاب خنجر فرو می‌کنند، تا نیروی مقاومت آنها در برابر دشمن تضعیف کنند.

فتودالها و ضدانقلاب، اینبار خرمنهای دهقانان اطراف قم را به آتش کشیده‌اند و بحق خشم و اعتراض دهقانان، سپاه پاسداران قم و نیروهای جهاد سازندگی و بسیج را علیه خود برانگیخته‌اند.

باین جنایتکاران مسامحه ننشاید. بند «ج» و «د» را اجرا کنید!

تجار غارتگر، سپیری ناپذیرند

روابط عمومی بانک مرکزی ایران، طی اطلاعیه‌ای اعلام کرده است: «موردی مشاهده شده است که واردکنندگان کالا برخلاف مقررات از ورود و ترخیص کالا، هائی که برای آنها به‌ارز پرداخت شده‌است، خودداری میکردند و بهای کالاهای وارداتی را بیش از ارزش واقعی آنها اعلام میداشتند» (جمهوری اسلامی، ۱۰ خرداد ۶۰)

ملاحظه میکنید؟ تجار غارتگر و سوداگر، نه فقط با واردات بیرونی کالا و فروش بی‌کنترل آنها به چندین برابر قیمت به مردم زحمتکش، تنها در سال ۵۹، یک قلم ۱۲۰ میلیارد تومان از دسترنج مسرمد زحمتکش سود

برده‌اند، و نه فقط مالیاتی ایران، بلکه میدان ترکتازی و سودورزی را آنچنان فراخ دیده‌اند که حتی بهای کالاهای وارداتی را نیز بیش از ارزش کالاها اعلام نموده و حتی از ترخیص آنها خودداری کرده‌اند.

با این مشت مفتخوار، که از خون مردم، خون آوارگان جنگ، خانواده‌های شهدا و محسرومان جامعه، می‌کنند و ارتزاق میکنند و بی‌سود، هدی و بی‌ز راه‌زی حرف‌های ندارند، باید قاطعانه برخورد کرد.

بازرگانی خارجی باید ملی‌شود و مالیات مستقیم تصاعدی از این سودهای بادآورده و بئفج محرومان جامعه باید اخذ گردد.

افکار عمومی را در جریان حقایق مربوط به سرقت اسناد وزارت امور خارجه بگذارید

انجمن اسلامی وزارت امور خارجه، طی اطلاعیه‌ای، مسائلی را در رابطه با سرقت اسناد وزارت امور خارجه و سوابق کار مسئولان سابق این وزارتخانه مطرح کرده است. در این اطلاعیه، انجمن اسلامی وزارت امور خارجه، ضمن اعلام اینکه:

سرقت اسناد را یک توطئه از قبل طراحی شده، قلمداد کرده و این توطئه نه برای اولین بار، که بدنبال جنایتها و خیانتهاست که توسط ناطقی‌ها و همکاران شبکه‌اش صورت گرفته است و تمام کسانی که به هر شکلی در طرح و اجرای آن سهیم بوده‌اند، باید به پای میز محاکمه کشانده شوند، (جمهوری اسلامی، ۱۰ خرداد ۶۰)

از جمله مسائل زیرا را مطرح میکند:

دانشیاء و جواهرات و اسلحه‌های گرانقیمت اهدا شده و نیز قالیچه و تابلوهای نفیست که در زمان آقای قلب‌زاده از انظار دور شده‌اند، در کجا ضبط و نگهداری میشوند؟

دیکار گرفتن مزدوران ساواک و نوکران خود فروخته نظام شاهنشاهی بعنوان مشاور و محرم اسرار،

دعای افراد غیر مسئول و بی‌تقوا و فرصت طلب و چه بسا ضدانقلاب به خارج از کشور، بعنوان نماینده جمهوری اسلامی از طرف وزیر و کفیل وقت وزارتخانه، بمعنای شرکت در اعمال ضدانقلابی و سوءاستفاده‌های مالی و غیرمالی و زشت جلوه دادن ماهیت انقلاب اسلامی محسوب نمیشود؟

«صدور غیرمجاز گذرنامه خدمت و سیاسی برای «هم‌خط»ها و ضدانقلاب و دادن خروجی غیرقانونی به ضدانقلاب توسط شخص ناطقی، فراری دادن بختیار را در آذهان ملت تداعی نمیشود؟» (همانجا)

مسائلی که انجمن اسلامی وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران مطرح کرده است، از اهمیت بسیار برخوردارند و ضرور است که هر چه سریع‌تر به آن رسیدگی شده و مردم در جریان حقایق قرار گیرند.

توسط هیئت ۳ نفره حل اختلاف: روزنامه‌های «میزان» و «انقلاب اسلامی» رسماً متخلف اعلام شدند

رئیس جمهور نیز متخلف از فرمان ۱۰ ماده‌ای امام خمینی و قانون اساسی اعلام شد.

حجت‌الاسلام محمد یسزوی نماینده مجلس شورای اسلامی و عضو هیئت ۳ نفره حل اختلاف، پس از جلسه روز یکشنبه ۱۰ خرداد در گفتگویی با خبرنگار خبرگزاری پارس، نظر این هیئت را در مورد اظهارات رئیس جمهور و نیز روزنامه‌های «انقلاب اسلامی» و «میزان» اعلام کرد.

وی در این مصاحبه ابتدا تأکید کرد: «هیئت معتقد است طبق دستور امام برخورد با مسائل نباید به گونه‌ای باشد که تشنج آفرین بوده و موجب تشویش آذهنان عمومی شود و مردم را در برابر هم قرار دهد و این تجاوز خود است که ممکن است موجب تضعیف روحیه رزمندگان شجاع ما در مرزها بشود».

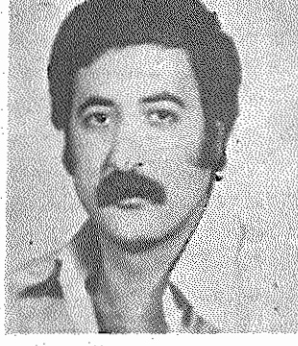
وی آنگاه نظر هیئت ۳ نفره حل اختلاف را بدین شرح اعلام کرد: «هیئت با اکثریت آراء به مرحله‌ای رسیده است که باید متخلف را به مردم معرفی نماید و مدارک را به دادستانی بدهد. در این مرحله به اطلاع مسرمد شریف ایران می‌رسانیم که متأسفانه رئیس جمهور، آقای بنی‌صدر در سخنرانی خود برای پرسنل پایگاه هوایی شیراز و همچنین در ۲ مصاحبه اخیر که در روزنامه‌ها منعکس شده است برخورد منطقی و اصولی نداشته و از بیانیه ۱۰ ماده‌ای امام متخلف نموده‌اند و از قانون اساسی نیز متخلف داشته‌اند که امضاء نکردن مصوبه مجلس در مورد سرپرستی وزارتخانه‌های بی‌سرپرست دلیل مقتضی معمول دارد».

وزارت آموزش و پرورش: روز جهانی کودک را به اعتراض عمومی علیه آمریکای جنایتکار و رژیم فاشیست عراق تبدیل کنیم

روابط عمومی وزارت آموزش و پرورش به مناسبت روز جهانی کودک (۱۱ خرداد) اطلاعیه‌ای منتشر کرد و طی آن اظهار امیدواری کرد: «با فرارسیدن روز جهانی کودک و در پناه جمهوری اسلامی، خواهران و برادران نوجوان ایرانی به جای کار در دخته‌ها و کارگاهها به آموزش و یادگیری بپردازند».

در این اطلاعیه همچنین از همگان خواسته شده است: «۱۱»

در گذشت یک کارگر توده‌ای



روز ۱۲ اردیبهشت ۶۰، رفیق حمید فتحی امیرخیز، کارگر وفادار و مبارز توده‌ای، بر اثر یک بیماری خونی، درگذشت و رفقا، دوستان و نزدیکانش را در تاسف و اندوه فرو برد.

رفیق حمید فتحی امیرخیز در سال ۱۳۳۰ در تبریز در یک خانواده کارگری (پدر و چهار برادرش همگی کارگر بودند) متولد شد. وی دوران تحصیل ابتدائی را در تبریز گذراند و سپس راهی تهران شد و در یک کارگاه کفافی مشغول بکار گشت. او بعد از ۱۰ سال فعالیت و کوشش شبانه‌روزی در کارگاههای کفافی، خود یک کارگاه کفافی برپا کرد.

پس از پیروزی انقلاب شکوهمند مردم ایران، رفیق حمید، راه حزب

ترویج فساد توسط ضدانقلاب، ساوه را تهدید می‌کند

ترویج فساد و تشکیل محافل قماربازی و شیره کشی در شهرستان ساوه و روستاهای اطراف آن و همچنین برگزاری مجامع مختلف از سوی گروهکهای ضدانقلابی، سلامت و آرامش این منطقه را به خطر انداخته است.

این عارضه در آسیابک زرند، یکی از روستاهای اطراف شهرستان ساوه، به شکل نگران‌کننده‌ای به چشم می‌خورد. این منطقه همچنین کانون تشکیل گروهکهای ضدانقلابی شده است، که هر کدام به نحوی باعث ایجاد رعب و وحشت در میان مردم شده‌اند.

در ماه‌های اخیر، یکی دیگر از روستاهای اطراف ساوه، نیز عوایل فتودالها، ضدانقلابیون و سلطنت طلبان به شیوه‌های مختلف سعی در ایجاد بدبینی نسبت به نهاد های انقلابی و در میان مردم دارند.

ما از مقامات مسئول مصراغه می‌طلبیم که با شناسائی و پیگرد این عوامل و عناصر، از فعالیت های ضدانقلابی جلوگیری بعمل آورند.

کمک مالی به حزب توده ایران

یک وظیفه انقلابی است! وطن‌اوغلی از تهران جمع‌آوری در جشن نامزدی ۲۰۰۰ ریال ۲ - غ ۲۰۰۰ ریال رحمان از دماوند ۴۰۰۰ ریال کارگاه هلندی ۱۰۰۰ ریال

صنایع و معادن ...

بقیه از صفحه ۱ در اختیار دارد که حتی با صادرات محدود نفت و گاز می‌تواند به موازات تأمین ضروریات روزمره زندگی مردم، سرمایه‌های لازم برای ایجاد صنایع سنگین را در اختیار داشته باشد و با بهره‌گیری از همه امکانات مساعد و مناسب برای انقلاب ایران در صحنه جهانی و به‌ویژه امکانات مناسبی که کشورهای سوسیالیستی و سایر کشورهای مستقل از تسلط امپریالیسم، می‌توانند در اختیار انقلاب ایران بگذارند، بنای این

استخوان‌بندی اساسی اقتصاد ایران را بالا ببرد.

ثروت ملی میهن ما اجازه می‌دهد که به موازات گسترش صنایع سنگین، بسویژه ذوب فلزات سیاه و رنگین و پتروشیمی و ماشین‌سازی، ما بتوانیم همه رشته‌های صنایع سبک یعنی تهیه کالاهای مصرفی را گسترش دهیم و در راه تأمین خودکفائی کام‌های پرشتابی برداریم.

در مورد گسترش فعالیت اقتصادی در زمینه بهره‌برداری از ثروت‌های طبیعی به‌ویژه نفت و گاز و دیگر ثروت‌های معدنی، حزب توده ایران بر آن است که این ثروت‌متعلق

مضروب کردن یکی از هواداران سازمان جوانان توده ایران در خرم‌آباد محکوم است

به‌دنبال گسترش فعالیت‌توانم ضدانقلاب در خرم‌آباد، یکی از هواداران سازمان جوانان توده ایران، روز ۳۱ اردیبهشت ماه جاری، مورد حمله چند ضدانقلابی مسلح قرار گرفت و به شدت مجروح شد. ضدانقلابیون مزبور، که یکی از آنها صورت خود را پوشانده بود، همچنین با چاقو رفیق ما را مضروب کردند.

از سوی دیگر مدتی است که عوامل ناشناخته‌ای شب‌ها به‌خانه هواداران انقلاب حمله مسلحانه می‌کنند و اخیراً خانه‌ای را نیز به رگبار مسلسل بستند.

ما از مقامات مسئول مصراغه می‌خواهیم که مجدانه در مقام تعقیب و مجازات این افراد بآیند و اجازه ندهند که ضدانقلابیون

برای اطلاع خوانندگان گرامی - که از ما سؤال کرده‌اند - متذکر می‌شویم که مقاله «بیا آور یا می‌خیزد» نوشته یکی از مسلمانان انقلابی است.

به مناسبت هجدهمین سالگرد قیام تاریخی ۱۵ خرداد - قسمت اول

قیام خلق به رهبری امام خمینی چگونه آغاز شد؟

از نقطه نظر تاریخی اجتماعی قیام یک خلق علیه حاکمیت استعمار - گران و مستمران، به منزلهٔ به صدا در آمدن ناقوس مرگ سلطه آن‌هاست. هنوز ۱۵ سال از کودتای آمریکایی شاه ملعون نگذشته بود که در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ مردم قهرمان ایران "آرامش" نسبی رژیم شاهرا، که به کمک سیا - ساواک بوجود آمده بود و چنین تبلیغ میشد که "ابدی" است، با قیام تاریخی خود برهم زدند و خواب جلادان را برآشفتنند.

قیام ۱۵ خرداد در تاریخ جنبش انقلابی ضد امپریالیستی و ضد - دیکتاتوری ایران اهمیت ویژه ای دارد. مردم انقلابی میهن مان در این روز، پس از یک دوره فرودگودسکون نسبی، علیه استبداد، بیدادگری و ظلم رژیم سرافراو استبداد به امپریالیسم بهاخاستند و با طرح شعارهای ضد استبدادی، خواستار سرنگونی دستگاه جبار پهلوی شدند. از سوی دیگر، این جنبش از آن جهت با اهمیت است که مردم انقلابی ایران برای چندمین بار تفاوت میان اسلام انقلابی و اسلام و عاظ السلاطین، اسلام خمینی ها و اسلام بهبهانی ها، و یا بگفته امام خمینی، اسلام آمریکایی را در عمل دیدند. مضافاً بر این ها در جنبش ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، نقش برجسته امام خمینی، رهبران انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران چهره ای که پس از گذشت ۱۵ سال، به محور اتحاد همه نیروهای خلق در راستای انقلابی - سدا میریالیستی و مردمی مبدل گشت، نمایان شد.

قیام ۱۵ خرداد که تجلی اراده شکست ناپذیر مردم انقلابی ایران بود، گرچه نتوانست به هدف اصلی خود، یعنی سرنگونی رژیم محمد رضا شاه، دست یابد، اما توانست مهر و نشان خود را بر روی دیوارهای تاریخ ثبت کند و به جهانیان نشان دهد که مردم انقلابی ایران خواستار سرنگونی رژیم سلطنتی، خواستار حکومتی متکی بر اراده خلق و طردهم جنبه سلطه امپریالیست ها، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، به میهن خود هستند.

قیام ۱۵ خرداد تجلی "نو" در مقابل "کهنه" بود. این "نو" که در آن روزها دوران جوانی خود را می - گذراند، پس از گذشت ۱۵ سال توانست بر پایهٔ مجموعه ای از شرایط داخلی و خارجی، "کهنه" را که همانا رژیم سلطنتی ۲۵۰۰ ساله باشد، به زیاله دان تاریخ بیندازد و برای اولین بار رژیم جمهوری را در ایران برپا کند.

قیام یازدهم خرداد ۱۳۴۲ از همان آغاز با کینه و خشم عظیم دشمنان خلق روبرو گشت. رژیم شاه ملعون کوشید با کشتار و قتل عام مردم بهاخاسته در این روز، بادتستیزی و تبعید رهبران درجه اول آن و در راس آنها امام خمینی، و با انواع ترندهای دیگر، این قیام را سرکوب کند. رژیم شاه - امپریالیستین کوشید که خاطرهای روز تاریخ را در میان انبوهی از افتراها و برجسب های ناچسب، چون "مخالفان اصلاحات ارضی"، "ارتجاعی"، "مخالفان آزادی زن" پنهان سازد. اما زندگی نشان داد که جنبش خلق ها احتی در میان دریایی از خون هم نمی توان خفه کرد. هر چه جلادان آریامهری علیه قیام ۱۵ خرداد پویه بافتند، نیروهای انقلابی آن را ستوندند.

حزب توده ایران، به پیروی از مبانی اصولی خود، با ارزیابی علمی و واقع - بینانه، جنبش ۱۵ خرداد را قیام خلق علیه ستم و استبداد ارزیابی کرد. حزب توده ایران شخصیت استثنایی امام خمینی را در این جنبش ستود و مورد حمایت و پشتیبانی بی دریغ خود قرار داد و برای اولین بار نطق امام خمینی را از راد یوپیک ایران پخش کرد و در سطح وسیعی به توده ها منتقل ساخت. درست

به همین دلایل بود که این حمایت، موجب خشم رژیم شاه قرار گرفت. آنها نخست کوشیدند با اعلام مسخ شده این واقعیت که حزب ما از قیام ۱۵ خرداد و امام خمینی پشتیبانی کرده است، تئوری کهنه و منسوخ "اتحاد ارتجاع سرخوسیا" را به میان آورند و مردم انقلابی ایران را از ادامه چنین مبارزاتی "که مورد پشتیبانی کمونیست ها است" بر حذر دارند. (شیوه ای که هم اکنون ضد انقلاب و لیبرال های کهنه کار و مائوئیست های آمریکایی، با عنوان مطالبی چون "القای دژولوزی" و ... پیشه کرده اند و بدین ترتیب جا پای ساواک و رژیم محمد رضا شاهی گذاشته اند).

به موازات این شیوه، دستگاه تبلیغاتی شاهی، ساواک و دیگر وا - خوردگان "سیا" ست باز ایران کوشیدند چنین وانمود سازند که حزب توده ایران قیام ۱۵ خرداد را "حرکتی ارتجاعی" خوانده و آنرا "محکوم" کرده است. چه نماها نیز به نوبه خود این تبلیغات را "عالی" "علمی" دادند. همایش و - خوردگان کوشیدند با تبلیغ این اراجیف خنده آور، خصلت انقلابی و اصولیت حزب ما را زیر علامت سؤال قرار دهند. هدف از این تبلیغات روشن بود: کوشش برای جلوگیری از اتحاد میان مبارزان راه اسلام انقلابی و پیروان سوسیالیسم علمی. این بود هدف غایی همه خود فرختگان و واخوردگان دستگاه های جاسوسی سیا، ساواک و این تبلیغ جت سروریس، که در سالهای بعد از جمله با کودتای "پیکار" در "سازمان مجاهدین خلق" دنبال شد. اکنون نیز تلاش عمده نیروی امپریالیسم و جاسوسان آشکار و پنهانش، برای جلوگیری از اتحاد این دو نیروست.

از ۱۳۳۲ تا ۱۳۴۲، یعنی طی ۱۰ سال، رژیم پهلوی با چپاول، کشتار و سرکوب زحمتکشان این مرز و بوم کوشید تا این رسالت را به نحو احسن به موقع اجرا گذارد. واقعیات دردناک زندگی مردم، فقر و فلاکت آنها گواه این واقعیت بود که این رژیم نه می خواهد و نه می تواند ایران را در جاده تکامل و تعالی قرار دهد. در دوران مورد بحث، سرپای نظام اجتماعی - اقتصادی ایران را بحران فزاینده ای فرا گرفته بود. دولت های دست نشانده یکی پس از دیگری با فضاحت کنار می رفتند. از این جهت امپریالیسم آمریکا، برای حفظ سلطه خویش بر ایران و جلوگیری از جنبش فزاینده مردم، که هر لحظه وقوع آن نزدیک تری می شد، نوعی اصلاحات نیم بند را به شاه توصیه کرد. مدت ها پیش از اجرای این "اصلاحات"، جان اف کندی، رئیس جمهور وقت آمریکا، در ۲۵ مه ۱۹۶۱، در نامه ای به کنگره آمریکا ضمن کافی ندانستن پیمان های نظامی برای حفظ کشورهای تحت سلطه و ضمن تأکید "خطراتی که متوجه این کشور - هاست"، خود لزوم اصلاحات نیم بند را خاطر نشان ساخته بود.

این "سیا" ست جدید، که گروهی از رهبران درجه اول ایالات متحده آمریکا - یعنی نمایندگان انحصارات بزرگ میلیتاری آن بودند، با نمایش مسخره "انقلاب سفید شاه و مردم" به روی صحنه آمد. هدف این "اصلاحات" عبارت بود از زمینه سازی برای نفوذ بیشتر سرمایه های امپریالیستی به ایران، تبدیل ایران به کشوری مصرف کننده با زیربنای سرمایه داری وابسته در چار - چوب تقسیم بین المللی کار در اردوگاه سرمایه داری و جلوگیری از رشد مبارزات مردم.

مبارز به رهبری امام خمینی با افشای توطئه شاه برای ایجاد زمینه های نفوذ بیشتر آمریکا در ایران، لزوم سرنگون ساختن این رژیم را متذکر شدند. امام خمینی طی یک سخنرانی بسیار مهم در مدرسه فیضیه قم در مورد شاه ملعون و "انقلاب سفید"، از جمله چنین گفتند:

★ امام خمینی بعد از اعلام «انقلاب سفید» شاه - آمریکایی سخنانی گفتند:

«انقلاب سفید کردی؟ انقلاب سفید بیا کردی؟ چه انقلاب سفیدی کردی؟ چرا اینقدر می خواهی مردم را اغفال کنی؟ چرا مردم را اینقدر تهدید می کنی؟»

با انتخاب علی امینی به نخست - وزیر، زمینه برای چنین اقدامی بیش از پیش فراهم گشت. این نوکر گوش فرمان آمریکا، پس از انتخاب شدن به مقام نخست وزیر، در سرمقاله ای در روزنامه اطلاعات، به تاریخ ۲۷ اردیبهشت ۱۳۴۰، اعتراف کرد که "انقلاب سفید" در حقیقت اقدامی است به توصیه آمریکا، برای جلوگیری از "انقلاب سرخ" در ایران! حزب ما، در همان سالها، با بررسی همه جانبه از این "اصلاحات" و هدف اصلی آن، اعلام داشت که این اقدامات همه در جهت تثبیت رژیم دیکتاتوری، تثبیت سلطه آمریکا بر ایران و جلوگیری از سقوط رژیم شاه است:

"محتوی مواعید و دعاوی "اصلاح طلبانه" شاه و دیگر سردمداران کودتا چیست؟ در ابتدا باید گفت که محتوی این مواعید و دعاوی اصلاحاتی به هیچ وجه آن نیست که در ساختن نظام اجتماعی کنونی کشور ما تحولات بنیادی رخ دهد و قدرت حاکمه از چنگ نیروهای مطیع استعمار منتقل گردد و فئودالیسم در میهن ما ریشه کن و اقتصاد مترقی و متحرک بنیاد گذارده شود. اصلاً "ابدا" چنین قصدی در بین نیست و چنین منظره ای دیده نمی شود. برعکس، هدف حفظ وضع موجود، یعنی حفظ رژیم دست - نشانده استعمار حفظ امتیازات طبقاتی، ملاکان و سرمایه داران دلال، حفظ تسلط دربار پهلوی و ادامه سیاست داخلی و خارجی ضد ملی است." (احسان طبری - دنیا سال سوم، شماره دوم، تابستان

ریشه های جنبش ۱۵ خرداد ۱۳۴۲

امپریالیسم جهانی، به سرکردگی آمریکا، برای سلطه بی چون و چرای خود بر ایران، در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، با اجرای یک کودتا، دولت قانونی و ملی دکتر محمد مصدق را سرنگون ساخت و محمد رضا پهلوی را دوباره بر تخت جلیل سلطنت "نشانند".

رژیم محمد رضا شاه کوشید، تا آنجا که در توان دارد، زمینه های نفوذ هر چه بیشتر ارباب خود امپریالیسم آمریکا - را بر ایران هموار سازد: "دمکراسی آمریکایی" را برای چپاول آزادانه مردم به ایران بازگرداند و ایران را به "شاهرا تمدن"، آنجا که انحصارات فوق چند ملیتی در انتظارند سوق دهد.

خود جنبه عمومی دادند. در بهار ۱۳۴۲ دیگر فریادهای مقاومت در برابر سیاست های ضد ملی و ضد دمکراتیک شاه بگوش می رسید.

حمله به مدرسه فیضیه

رژیم خود فروخته شاه، که خطر را نزدیک می دید، می دانست که اگر امواج اعتراض مردم، که هر لحظه ایجاد گسترده تری بخود می گرفت، در نطفه خفه نشود، تاج و تختش را در هم خواهد کوبید. جلادان شاه - آمریکا برای سرکوب امواج قیام در نطفه، روز دوم فروردین ۱۳۴۲ به مدرسه فیضیه قم حمله کردند و کشتار معروف فیضیه قم

★ حزب توده ایران بعد از اعلام «انقلاب سفید» شاه - آمریکا اعلام کرد:

«تا وقتی رژیم دیکتاتوری سلطنتی در ایران وجود دارد و امور کشور تحت نظارت و در دست محمد رضا شاه است، راه هرگونه تحول عمقی و اساسی در ایران مسدود است. باید مبارزه کرد و تنها منهدم کردن رژیم کودتاست».

(دنیا، دوره دوم، سال سوم، شماره اول بهار ۱۳۴۱)

و این خروش تنها از جانب حزب طبقه کارگر ایران فریاد نمی شد. مسلمانان

در تاریخ سیاه جنایات خود ثبت کردند. از اولین ساعات با ماداد روز دوم فروردین، ماشین های شرکت واحد، در حالی که گروه گروه چماق بدستان را حمل می کردند، وارد قم شدند. از سوی دیگر، ده ها کامیون نظامی، که مجهز به مسلسل بودند، نظامیان را به قم آوردند. گراز - های شاه پس از مانور کوتاهی در داخل شهر، در خارج آن موضع گرفتند. بعد از ظهر این روز، یک مجلس سوگواری در مدرسه فیضیه قم برپا شد، و چنانکه معمول اینگونه مراسم بود، در این روز نیز سیاست های ضد ملی و ضد دمکراتیک رژیم شاه محکوم شد. مزدوران پس از باخبر شدن از این جریان، کامیون های حامل سربازان را از خارج شهر بسوی مرکز شهر روانه ساختند و مدرسه فیضیه را محاصره کردند. در همین هنگام چماق بدستان آریامهری به میان جمعیت، که در صحن مدرسه گرد آمده بودند، هجوم بردند.

چماق بدستان با شعارهای "جاوید شاه" به جان مردم، طلاب و روحانیون حاضر در صحن افتادند. حاضرین در صحن، در مقابل این بیورش ناجوان مردانه، دست به مقاومت زدند و با سنگ و آجر به دزخیان حمله ور شدند. در همین هنگام "نیروهای مسلح شاهنشاهی" وارد عمل شدند و بسوی مردم، طلاب و روحانیون آتش گشودند. چماق بدستان نیز با شانه های نیروی کمکی بر شدت وحشیگری های خود افزودند. آنها هر کس را در مقابل خود می یافتند، مورد ضرب و شتم قرار می دادند و هر آنچه را در برابر خود می دیدند، خراب می کردند. حمله مزدوران آریامهری تا بعد از ظهر همان روز ادامه داشت.

بدین ترتیب، شاه و مزدوران او به گمان خود موفق شدند که اولین امواج اعتراض مردم را با کشتار و ضرب و شتم روحانیون و طلاب مدرسه فیضیه قم متوقف کنند.

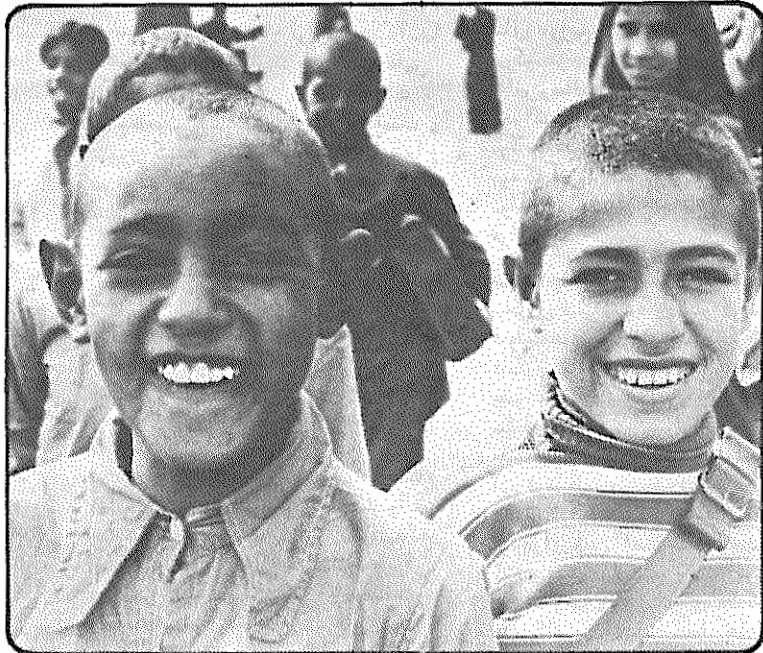
اما واقعیت چیز دیگری بود. با نزدیک شدن روزهای عزاداری تاسوعا و عاشورا، بر تعداد راهپیمایی ها و تظاهرات افزوده شد. هر چه این روزها نزدیک تری می شد، تظاهرات بیشتر رنگ سیاسی تر بخود می گرفت. آشکارا معلوم بود که هیچ چیز نمی تواند جلوی خشم مردم را بگیرد. آنها مصمم بودند که رژیم شاهنشاهی را از گردونه تاریخ خارج سازند.

ادامه دارد

کودکان ایران می...

کودکان کار

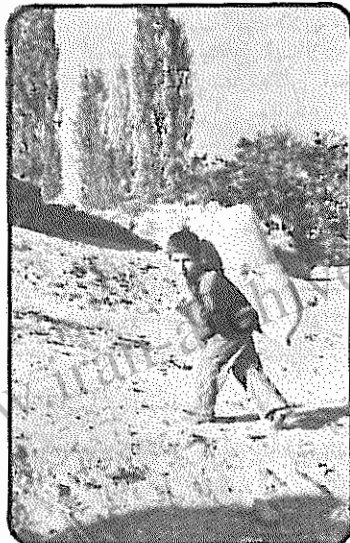
بیشترین سهم کار، کمترین دستمزد،
مخروم از کمترین سهم دسترنج خویش



گلخندهای پیروزی انقلاب کودکان ایران
عکس از: بهروز رشاد



کودک - عکس از بهروز رشاد



قامت ظریف این کودک، زیر پاری
که دو برابر وزن خود او سنگینی
دارد خرد میشود



کارگران اطوگش جوراب تبریز

آیا بهتر نبود که این کودک بجای میزکار، پشت میز مدرسه قرآن میگرفت؟

دشنام و بد رفتاری جای توضیح باقی نمی ماند. ساعات کار با هیچ چارچوبی محدود و محصور نمی شود. محیط کار آنان ابدابهداشتی نیست. اما خانواده را باید تامین کرد. بسیاری از این نوجوانان بارمخارج تاده نفر را برعهده دارند، اما دستمزد آنان در برابر کار مساوی با بزرگسالان، دست کم پنج برابر کمتر است.

کودکان، اما، در برابر این همه ناملایمات، لحظه را لحظه مبارزه و فداکاری در راه انقلاب می بینند. دشمن اصلی آمریکا، این سر دسته امپریالیسم جهانی را نیک می شناسند و مفهوم واقعی تجاویز رژیم جنایتکار صدام به انقلاب ایران را دریافته اند. آنها چشم امید به نظام جمهوری اسلامی ایران دوخته اند: امید به روزی، امید زندگی دور از سلطه امپریالیسم، کلان- سرمایه داران و بزرگ مالکان!

کارگران خردسال میهن ما بیش از صد هزارند. آنها در کوره پزخانه ها، کارگاه های قالی بافی، کارگاه های کوچک صنایع، در مزارع و کشتزارها، در کار فروشندگی و کارهای دشواری از قبیل باربری و حتی در صنایع کاری کنند. برای کودکان کار قانسونی وجود ندارد، زیرا اساس کار آن ها مبتنی بر احتیاج است، و کار فرمایان از این نیروی ذخیره پایا نایدیر بیشترین سود را می برند، دزدانه آن ها را بکار می گیرند، نیروی کار آنها را به ثمن بخس و به پیشیزی ناچیزی می خردند و تا آخرین درجه ممکن شیره جان و توان آن ها را می کشند. دسترنج کارگران خردسال بیشترین سود را نصیب کار فرمای کند، زیرا برای خردسالان زحمتکش مزایایی وجود ندارد. آن ها مطلقاً بیمه نیستند و نمی توانند باشند. کار آنان رسمیتی ندارد. تنبیه جسمانی نیز در مورد آنان بطور گسترده اعمال می شود و از نظر توهین،

کودکان قالی باف سراب:

چشم انتظار انقلاب در زندگی خود

به دیدار کودکان و نوجوانانی رفتیم که مجبورند برای تامین مخارج خانواده، پایه پای بزرگسالان، نیروی کار خود را به ازای چند تومان در روز، در اختیار "ارباب" بگذارند. به دیدار کودکانی رفتیم که باید پشت میز مدرسه باشند و دار قالی.

کودکان قالی باف شهرستان سراب هر روز صبح زود در هوای گرگ و میش راهی کارگاه های قالی بافی می شوند و هنگام غروب آفتاب، پس از چندین ساعت کار طاقت فرسا، خستگراهی خانه می شوند، بدون آفتاب، بدون بازی، بدون لیخنند.

فاطمه ده ساله می گوید: "هنگامی که در ده زندگی می کردم، به مدرسه می رفتم، ولی از آن وقتی که به سراب آمدم، دیگر نتوانستم به مدرسه بروم چرا؟"

"چون پدرم بیکار بود و نمیتوانست خرچمان را درآورد و ما را به اتفاق دو خواهرم به کارگاه قالی بافی فرستاد." از او پرسیدیم: "چرا زده آمدید؟ مگر پدرت زمین نداشت؟"

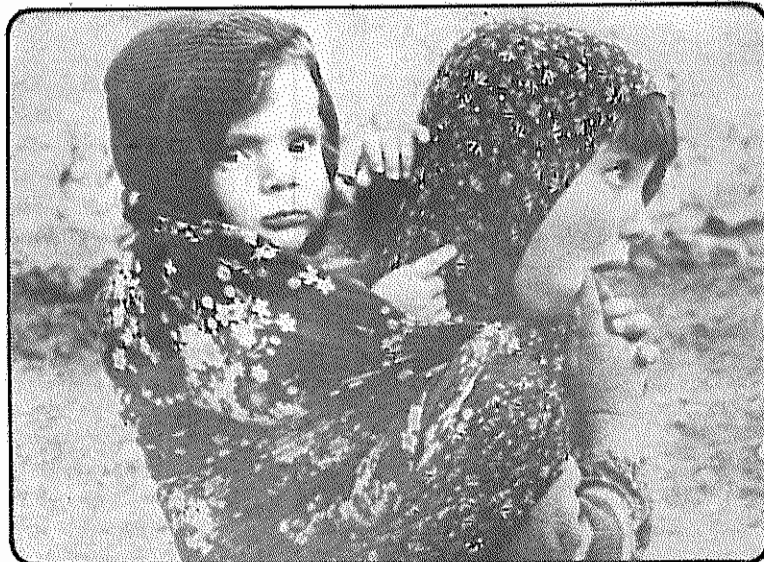
اوساکت ماند و خیره در چشمانمان شد، انگار چشمانش بجای زبان حرف می زدند: "اگر زمین داشتیم که به شهر نمی آمدم. مگر روستایی جز زمین چیز دیگری می خواهد؟"

یکی دیگر از کودکان، که فقط چهار سال دارد، فقط این را می داند که: "پدرم گفت باید اینجا کار کنی." کودک چهار ساله! فکرش را بکنید، این کودک با کدام نیرو می خواهد قالی ببافد؟ تازه کلمه قالی را هنوز به زور تکرار می کند. عسرت و اکرم حتی نمی دانند که چند سالشان است. آنها نیز می گویند:

"دوستانمان به مدرسه می روند، ولی پدر ما گفت که برویم کار کنیم. آن طرف تر جوانی غم هایش را در "بایاتی" (۱) ها زیر لب زمزمه می کند. نام او محمد است و شانزده سال دارد: "هفتای هزار و چهار صد ریال مزد می گیرم. دلم می خواهد که درس بخوانم، ولی نمی توانم، چون باید خرج

(۱) آوازهای دوبیتی آذربایجانی

زمندهومی آموزند



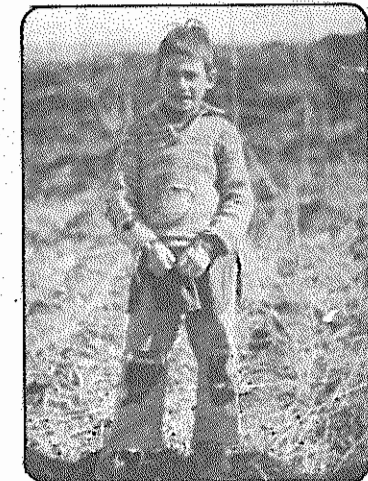
انتظار دارد، بدیهی ترین و طبیعی ترین خواسته‌هاست.

ایجاد امکانات رفاهی و پرورشی، باغ‌های کودک و تسهیلات پزشکی و بهداشتی رایگان برای عموم کودکان، آموزش همگانی و رایگان برای عموم نوباوگان شهروستا، جلوگیری از کار کودکان کمتر از ۱۵ سال،

تامین نیاز منسبتی پرورشی از طریق گسترش ورزشگاه‌ها، کتابخانه‌ها، خانه‌های فرهنگ و اندیشه، نمایشگاه - های انقلابی و برنامه‌های جامع برای بازآموزی انقلابی عموم کودکان ایران. مهم ترین این خواسته‌ها آموزش همگانی و رایگان و جلوگیری از کار طاقت فرسای کودکان است.

آقای هنجانی، رئیس کمیسیون کار امور اجتماعی مجلس شورای اسلامی، وضع درست نظام انقلابی را در این زمینه چنین بیان داشته‌است:

... بکارگیری اطفال اصولاً جایز نیست، زیرا کودکان تا سنین معینی بایستی (البته با تهیه وسایل لازم از طرف دولت) به تحصیل بپردازند و خود را برای ورود به اجتماع آماده سازند. رئیس کمیسیون کار و امور اجتماعی مجلس، سپس با اشاره به وظیفه اولیا اطفال، بویژه در امر تعلیم و تربیت، به فقر مادی، معنا به علت کار گماردن کودکان



کودکان کار در روستا

پرداخته می‌گوید: "فقر مادی بناچار خانواده را مجبور می‌کند که فرزندان خود را در سنین پائین بکار گمارند، تا از نتیجه تلاش و کوشش آنها، بتوانند زندگی خانوادگی خود را اداره کنند."

اما این فقر عمومی که از عوارض گسست ناپذیر رژیم مخلوع بود، در نظام انقلابی کنونی و در آینده میهن نهجایی دارد و نه می‌تواند داشته باشد. از این نظر این قوی ترین انگیزه کار کودکان از صحنه غایب خواهد شد و سداصلی رشد و پرورش سالم و انقلابی نوباوگان تضمین خواهد شد.

نونهالان ما نیز قویا بر این باورند و با ترسیم چنین آینده‌ای است که نمونه درخشان سالیان اخیر را، بمثابة کارنامه اصلی خویش، از خود گزاشته‌اند. از "محمد حسین فهمیده" کودک سیزده ساله‌ای که نارنجک بگرم می‌بندد و خود را به زیر تانک‌های دشمن غدار می‌افکند، تا صد هزار کودکی که در اقصی نقاط میهن با امید روز را به شام می‌برند، همه وهمه آرزومند پیروزی انقلاب در برابر دسائیس امپریالیسم، بسرکردگی آمریکا، ضد انقلاب پرورده آن و ارتجاع منطقه و سازشکاران وره کم کردگان هستند، تا فقر و فاقه از میان برخیزد، زندگی از پیرایه‌های طاغوتی تپتی شود، استقلال، آزادی و ترقی با خطوط زرین ترسیم شود و لبخند خورشیدی فردا بر لبان آینده سازان فلات میهن بنشیند.

کودکان روستا: رویای آینده روشن



کودک چوپان آذربایجانی

آوازه خوان کوهپایه‌های سرسبز

آواره کار و آلاه دشت!

کودکان روستا:

رویای آینده روشن



او یازده سال بیشتر ندارد، این دست‌ها باید با قلم آشنا شود، اما در گل می‌نشیند

کودکان کار و درس

چرا من و دیگر بچه‌های انقلابی به بسیج می‌رویم



و دیگر دوستانم، که آنها هم همگی بچه‌های خوب و انقلابی هستند، شبها تا صبح نگهبانی میدهم.

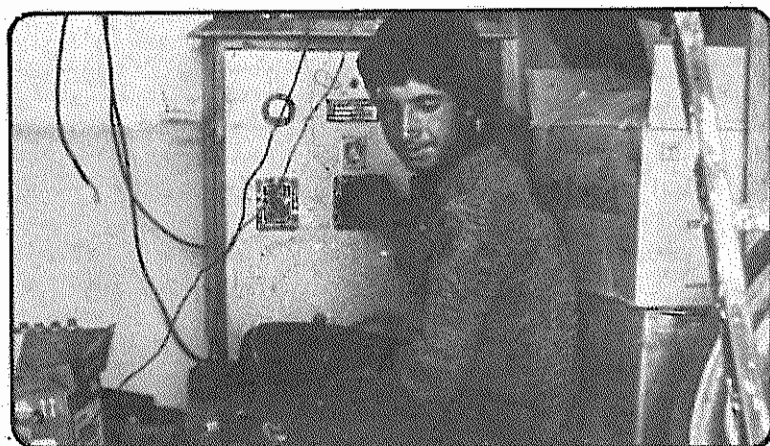
چرا من و دیگر بچه‌های انقلابی به بسیج می‌آئیم؟ زیرانی خواهیم بار دیگر امپریالیسم آمریکا بر ما حکومت کند. بخاطر اینکه می‌خواهیم نگذاریم ضد انقلاب به توطئه‌های خود دست یابد. بخاطر اینکه انقلاب و استقلال و آزادی کشورمان را دوست داریم. زیرا همانطور که مادر دانش آموزان در روز ۱۳ آبان حماسه آفریدیم، الان نیز باید از دستاوردهای انقلاب پاسدار می‌کنیم. بله، سایداز دستاوردهای انقلاب دفاع کنیم. آن دانش آموز ۱۳ ساله‌ای نارنجک‌هایی که بدور خود بسته بود، جلوی پیشروی تانک‌های مزدوران صدامی را گرفت و قطره قطره خون خود را در پای درخت تنومند انقلاب فدا کرد. مانیز با شرکت در بسیج به نوبه خود از انقلاب دفاع می‌کنیم.

بار هبری امام خمینی و با اتحادمان امپریالیسم آمریکا را نابود سازیم.

نام من محمد شاطریان است. در حدود ۱۵ سال دارم. دانش آموز کلاس سوم راهنمایی و اهل بوشهر هستم. پدر من در بازار ماهی فروشان کار میکند. ماهی فروشان آدمهای خوبی هستند و من خیلی آنها را دوست دارم. آنها باید بدانند همانطور که دلاوران دارند در جبهه‌ها جان بازی میکنند، آنها نیز با فروش هر چه بیشتر ماهی، دارند خدمت بزرگی به انقلاب میکنند. ولی آنها یک عیب کوچک دارند. عیبشان این است که با هم متحد نیستند. آنها باید با هم متحد شوند، و متحداً به انقلاب خدمت کنند. خود من محصل هستم صبح‌ها به مدرسه می‌روم و عصرها هم در دکان کار میکنم. در دکان بچه‌ها را خرد میکنم و بعد بچه‌ها را روی ماهی‌ها می‌ریزم. خلاصه شب خسته به خانه می‌روم، و بعد از خوردن شام، در حال خستگی شروع به درس خواندن میکنم. گاهی چرت می‌زنم و گاهی هم موفق میشوم در سه‌ساعت تمام کنم. یکی دیگر از وظایف انقلابی من این است که در بسیج محله شبها نگهبانی میدهم. من

از زبان حمزه کارگر خردسال

الکتریکی و باطری سازی عقاب (بروجرد)



مردم بود. صد آمریکا بود. دوست محرومین جهان بود. پس خوب بود و باید بهتر هم بشود، مثلاً این جنگ، کار آمریکا است، برای اینکه جمهوری اسلامی ایران را نابود کند، برای این که رژیم جمهوری اسلامی ایران ضد آمریکا و ضد سرمایه‌داری غارتگر است. ما کارگران باید هوشیار باشیم و نقشه‌های آمریکا را نقش بر آب کنیم.

پیام من

کارگران باید تولید را بیشتر کنند و بیشتر کار کنند.

کار و زندگی

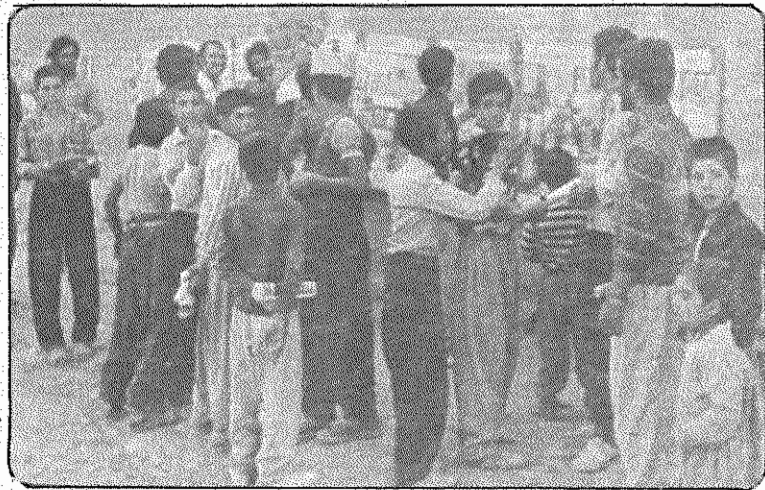
روزها از ساعت ۷ صبح تا ۹ بعد از ظهر کار می‌کنم. جمعه‌ها هم کار می‌کنم. کار تا دیر وقت شب، نمی‌گذارد کلاس شبانه بروم و درس را ادامه بدهم. من تا کلاس سوم راهنمایی درس خوانده‌ام. هفته‌ای هشتاد تومان مزد می‌گیرم. الان یکسال است که کار می‌کنم.

انقلاب و میهن

این انقلاب کار مردم بود. برای

جنبش مقاومت خلق فلسطین در لبنان

کودکان ایران می رزمند و می آموزند



کودکان و نوجوانان در بحث‌های سیاسی و نمایشگاه‌های ضد امپریالیستی همواره حاضرند - ده طولابی - اسلام‌آباد غرب



تبریز - غلامعلی قنط سیزده سال دارد، ولی مخارج یک خانواده هفت نفری به عهده اوست



کارگران خردسال: هست و نیست ما فدای انقلاب



خشت بر روی خشت، با آرزوی آینده‌ای دیگر، فردائی که نهال انقلاب به میوه بنشینند و زندگی از قید درد و زجر کار طاقت‌فرسا اندکی التیام یابد.



محمد جوانمرد دهقان ده قلعه‌رودخان - قومنتا ناچار است از دو کودک خردسال خود نیز کمک بگیرد، تا زندگی خانواده را تامین کند

و همچنین بازسازی ارتش مصر و تجهیز آن به مدرن‌ترین سلاح‌ها، با کمک اتحاد شوروی، استوار بود. سوریه نیز از فردای شکست همین راه را دنبال کرد و جنبش مقاومت خلق فلسطین هم، به سهم خود، عنصر دیگری از ترکیب جبهه مقابله با شکست را تشکیل داد. از سال ۱۳۴۷ (۱۹۶۸)، فعالیت جنبش مقاومت خلق فلسطین در لبنان، تحت اشکال مختلف مسلحانه و توده‌ای هر چند ناهماهنگ، گسترش یافته است.

ارزیابی دومین کنگره حزب کمونیست لبنان

در تیرماه ۱۳۴۷ (ژوئیه ۱۹۶۸) دومین کنگره حزب کمونیست لبنان، برگزار شد. این کنگره نه تنها برای حزب کمونیست لبنان، بلکه برای مجموعه جنبش‌های رهایی بخش عرب، در چهارچوب میاحناتی که درباره راه‌های حل بحران ناشی از وقایع سال ۱۳۴۶، انجام گرفت، اهمیت داشت. کنگره دوم، مسئله فلسطین را در جایگاه با اهمیتی قرار داده بود. بنا بر اسناد این کنگره، امپریالیسم آمریکا توانسته بود از جهت‌گیری‌های داخلی اسرائیل استفاده کند و از آن بعنوان وسیله‌ای در خدمت استراتژی تجاوزکارانه محلی خود بهره‌جوید. طبق نظر کنگره، موضع اتحاد شوروی بهنگام طرح مسئله تقسیم فلسطین در ۱۳۲۷ (۱۹۴۸) تنها امکان موجود در شرایط جهانی آن-زمان بود.

بنابر ارزیابی کنگره حزب کمونیست لبنان، حل مسئله فلسطین جدا از مجموعه مبارزات ضد-امپریالیستی، ضد صهیونیستی و ضد ارتجاعی نیست و جنبش مقاومت خلق فلسطین جایگاه خاص خود را در جبهه نیروهای انقلابی عرب دارد. مقاومت این خلق تحت همه اشکال مختلف آن، از جمله شکل مسلحانه، جزئی از جنبش انقلابی خلقی است که از حق داشتن سرزمین و کلیه حقوقش نسبت به میهن خود محروم گشته است. این مقاومت جنبشی است که همه نیروهای ملی و مترقی، از جمله کمونیست‌ها، در صفوف آن حضور دارند. این کنگره تاکید می‌کند که:

"راه حل قطعی مسئله فلسطین می‌بایست بر مواضع اصولی ویرسمیت شناختن حق تفکیک‌ناپذیر اعراب فلسطین نسبت به سرزمین میهن خود و بنا بر این، بر شناسایی حقوق آنها دایره بازگشت به سرزمین خود و داشتن حق حاکمیت بر این سرزمین استوار باشد".

در پائیز سال ۱۳۴۷ (دسامبر ۱۹۶۸)، سرکوبگران اسرائیلی به فرودگاه بیروت حمله کردند. رهبران لبنان، علیرغم این حمله، تصمیم گرفتند که از درگیر شدن در جنگ خودداری کنند، به همین علت در مناطق جنوبی و خط مقدم جبهه از ارتش لبنان خبری نبود. احزاب دست راستی لبنان نیز برای راندن فلسطینی‌ها به مرزهای سوریه فعالیت و از طرح بیطرفی لبنان همراه با تضمین آمریکا و زیر چتر سازمان ملل متحد پشتیبانی می‌کردند.

لبنان - صحنه توسعه جنبش توده‌ای

در سال ۱۳۴۸ (۱۹۶۹) برخورد میان ارتش و فلسطینی‌ها افزایش یافت. در همین تاریخ لبنان صحنه توسعه جنبش توده‌ای و ترقیخواه ملی

بیش از ۳۲ سال است که خلق فلسطین از سرزمین مادری خود رانده شده است و قریب ۱۴ سال است که اسرائیل، با کمک امپریالیسم آمریکا، ساحل غربی رود اردن و نوار غزه، ارتفاعات جولان و بخش‌هایی از صحرائ سینا را به کمک نیروهای نظامی غصب کرده است. در تمام این دوران روزی نبوده که طی آن، از جانب اسرائیل و حامی آن آمریکا، نسبت به خلق عرب فلسطین جنبشی انجام نگرفته باشد. ماهیت تجاوزگر اسرائیل، در سال‌های اخیر با تجاوزات مکرر به جنوب لبنان، که بمنظور درهم کوبیدن جنبش مقاومت خلق فلسطین انجام می‌گیرد، نمود ویژه‌ای یافته است. از سوی دیگر نیروهای ارتجاعی لبنان نیز که از جانب محافل اسرائیلی پشتیبانی می‌شوند، رو در روی خلق قهرمان فلسطین ایستاده‌اند و در تلاشند که جنبش مقاومت فلسطین را درهم شکنند. اما جنبش مقاومت خلق فلسطین، علی‌رغم این توطئه‌های پلید امپریالیستی با تجربیاتی که طی مبارزات خود به دست آورده است، از قدرت و استحکام لازم برای ادامه مبارزه و پیشبرد اهداف به حق خویش برخوردار است. صفوف جنبش مقاومت خلق فلسطین، بخصوص پس از جنگ هفت روزه اسفند ۱۳۵۶ (مارس ۱۹۷۸) در جنوب لبنان فشرده‌تر شده است. نیروهای انقلابی فلسطین، طی این مدت، توانسته‌اند حمله بیش از ۳۰ هزار سرباز رژیم صهیونیستی اسرائیل را، که از حمایت همه‌جانبه واحدهای هوایی و دریایی برخوردار بودند، واپس بزنند.

لبنان - یکی از مراکز مهم تجمع خلق فلسطین

طی سالهای دراز خانه بدوشی و دوری از میهن، لبنان همواره یکی از مهمترین مراکز تجمع خلق فلسطین بوده است. بدنبال حوادث خونین سالهای ۵۰-۱۳۴۹ (۷۱-۱۹۷۰) در اردن (رویدادهای سپتامبر سیاه)، سازمان‌های فلسطینی و "سازمان آزادیبخش فلسطین" مقر خود را به لبنان منتقل کرده و در نتیجه شمار بیشتری از فلسطینیان به این کشور هجوم آورده‌اند، بطوریکه در سال ۱۳۵۲ تعداد ایشان در لبنان، حدود ۳۰۰۰۰۰ نفر تخمین زده می‌شد، که از آن میان حدود ۲۰۰۰۰۰ نفر در هفت اردوگاه جنوب لبنان به شرح زیر پخش شده بودند.

۲ اردوگاه در "سعیدیه"، ۱ اردوگاه در "نبطیه" و ۴ اردوگاه دیگر در اطراف منطقه "تیر".

امروزه فلسطینی‌های مقیم لبنان حدود ۱۰٪ کل فلسطینی‌ها را تشکیل می‌دهند. این رقم، بعد از کرانه غربی رود اردن، بالاترین میزان تراکم فلسطینی‌ها را در یک منطقه نشان می‌دهد.

برای آگاهی از مسایل کنونی حضور فلسطینی‌ها در لبنان، می‌بایست آن را در چهارچوب کلی وقایع خاور-میانه، بخصوص پس از شکست ۱۳۴۶ (۱۹۶۷) اعراب، و اهداف و سیاستهای امپریالیسم و صهیونیسم در منطقه بررسی کرد.

بدنبال شکست ۱۳۴۶ (ژوئن ۱۹۶۷)، پرزیدنت جمال عبدالناصر تصمیم به مقابله مصمانه با اسرائیل گرفت و مبارزه را بر اساس طرح دوگانه سیاسی - نظامی و با هدف بازپس گرفتن سرزمین‌های اشغال شده ادامه داد. این سمت‌گیری بر پایه تحکیم دوستی اعراب و اتحاد شوروی

دیدار احزاب کمونیست کشورهای عرب خاورمیانه

در تیرماه ۱۳۴۸ (ژوئیه ۱۹۶۹) در دیداری که بین احزاب کمونیست کشورهای عرب خاورمیانه (لبنان، اردن، سوریه، عراق و سودان) انجام گرفت، قرار شد که تصمیمات لازم برای تشکیل یک سازمان چریکی کمونیست فلسطینی، که قراومود در اسفند ۱۳۴۸ (مارس ۱۹۷۰) موجودیتش اعلام گردد و مقرش در "امان" باشد، گرفته شود. در آبانماه ۱۳۴۸ (نوامبر ۱۹۶۹) برای دستیابی به یک موافقتنامه بین طرفین متخاصم، میانجیگری "ناصر" لازم شد. تناسب قوا در آن زمان، موجب احراز پست وزارت کشور توسط "کمال جنبلاط"، "صدر" حزب سوسیالیست ترقیخواه لبنان گردید. در آن زمان سال (دسامبر) حملات اسرائیلی‌ها به مناطق جنوب شدت گرفت. در این ماه "حزب کمونیست لبنان" طی اعلامیه‌ای "کلیه نیروهای مترقی وطنی را، که با مقاومت فلسطین پیوند داشتند، به مسلح کردن ساکنان منطقه جنوب و ایجاد استحکامات در مناطق مرزی و ... هماهنگی با کشورهای عرب به منظور حمایت از مقاومت فلسطین و حفظ آزادی عمل کامل آن فراخواند. ("الندا" ۱۴ آذر ۱۳۴۸ مطابق ۵ دسامبر ۱۹۶۹). در ماه‌های آبان و آذر ۱۳۴۸ (آخرین ماههای سال مسیحی ۱۹۶۹) اولین گروه کمونیست‌ها، شامل افسران کادر و جوانان داوطلب، طی نبرد در صفوف سازمان‌های مختلف فلسطینی جان باختند، که تعلق سازمانی‌شان از طرف هر یک از احزاب کمونیست مربوطه اعلام گردید.

روابط نزدیک حزب کمونیست لبنان با سازمان‌های چریکی، به همراه موضعگیری مساعد احزاب مترقی نسبت به جنبش مقاومت خلق فلسطین مانع از آن شد که ارتجاع از اختلافات درونی جنبش مقاومت خلق فلسطین بهره‌جوید و این مقاومت را درهم شکنند. به جز یک مورد استثنایی در "صیدا"، که آن هم مهار شد، جنبش مقاومت خلق فلسطین توانست با در نظر گرفتن استراتژی متحدین چپ خود، از هر گونه بهانه برای اخلاگری پیشگیری کند. از این جهات است که لبنان، حتی قبل از وقایع ۱۳۴۹ (۱۹۷۰)، سومین حلقه مقاومت خلقی عرب را در مقابل نقشه امپریالیستی - صهیونیستی و ارتجاعی تشکیل میداد.

تذکری به «انجمن اسلامی وزارت امور خارجه»

«انجمن اسلامی وزارت امور خارجه» طی اطلاعیه‌ای که در روزنامه «جمهوری اسلامی» مورخ ۱۰/۳/۶۰ در مورد سارقین اسناد وزارت امور خارجه و اعمال ضد انقلابی مسئولین سابق این وزارتخانه انتشار یافته، از استخدام افراد توده‌ای... ضدانقلاب و توجیه‌گر نظام گذشته توسط معاونت پارلمانی وقت سخن گفته است.

به «انجمن اسلامی وزارت امور خارجه» متذکر میشویم که اولاً قرار دادن افراد توده‌ای در کنار «ضدانقلاب و توجیه‌گر نظام گذشته» با توجه به چهل سال سابقه فعالیت حزب توده ایران علیه امپریالیسم و ارتجاع و مخاطب استقلال، آزادی و ترقی ایران و

دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران
۱۳۶۰/۳/۱۰

در جلسه علنی روزیکشنبه مجلس شورای اسلامی گفته شد:

ملت، امروز در معرض تهاجم همه جانبه امپریالیسم آمریکاست

نخست‌وزیر سپس گفت: «بسیار دیگر (از بازاربان) هستند که سودهای سرشار برده‌اند و حتما باید فکری برای این مسئله کرد و فکر نمیکنم کسی در این مجلس موافق باشد که فردی یکبار ۱۵۷ هزار تن آهن وارد کند و یکبار ۱۵۰ میلیون تومان سود ببرد، بنابراین باید برای اینها فکری کرد».

آنگاه معاون وزارت اقتصاد و دارایی توضیحاتی در مورد لایحه بودجه داد و سپس کلیات این لایحه به‌رای گیری گذاشته شد، که با اکثریت آراء به تصویب رسید. پس از تنفس، نمایندگان به بحث در مورد جزئیات لایحه پرداختند و پیشنهادهای مختلف نمایندگان در مورد تک تک مواد آن به بحث گذاشته شد.

جلسه بعدی مجلس امروز (سه شنبه) تشکیل می‌شود.

*** چرا آنها که فریاد «وا آزادی» می‌کشند، یکبار هم نشده که یک قطره اشک برای استقلال مملکت بریزند.**

*** سیستم مالیاتی کشور باید تغییر کند.**

یکبار هم نشد يك قطره اشک برای استقلال این کشور بریزید؟ و فقط هر کجا که به کلمه استقلال رسیدید، به گفتن لفظ کلمه اکتفا کردید. اما به آزادی که رسیدید قلم زدید و زبان به تعلق گشودید؟ من این قضاوت را به تاریخ می‌سپارم، تا در آینده بگویند و بدانند که يك عده‌ای با تیغ زبان ونیش قلمها به قوه قضائیه این جمهوری حمله کردند، به قوه قانون‌گذاری این جمهوری حمله کردند، به دولت حمله کردند، شخصیت‌های بزرگ را با تمام سوابق درخشان مبارزاتشان زیر سؤال قرار دادند و هزاران کار دیگر کردند و باز فریاد برآوردند که آزادی نیست».

دومین ناطق قبل از دستور، جلدی، نماینده بوشهر، طی سخنانی از جمله به مشکلات آب آشامیدنی ۳۰۰ هزار روستایی این منطقه اشاره کرد و خواستار رسیدگی فوری به آن شد.

پس از آن حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی تذکرات چندتنی از نمایندگان را در خصوص مسائل و مشکلات مختلف مملکتی قرائت کرد. از جمله تذکر عمادالدین عبدالکریمی، نماینده بوشهر، در خصوص حفر چاههای عمیق در منطقه علمده و بوشهر در این جلسه قرائت شد.

آنگاه مجلس بحث در مورد لایحه چهار دوازدهم بودجه را آغاز کرد. ابتدا مجبر کمیسیون برنامه بودجه مجلس توضیحاتی ارائه داد. وی در قسمتی از سخنان خود تصریح کرد که: «ما قائل به اقتصاد برنامه‌ای هستیم تا اقتصاد بازاری».

سپس محمدعلی رجائی نخست‌وزیر درباره این لایحه سخنانی ایراد کرد. نخست‌وزیر در قسمتی از سخنان خود گفت: «ثبات هم معتقد است سیستم مالیاتی باید تغییر کند».

در جلسه علنی روز یکشنبه مجلس شورای اسلامی، که به ریاست حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی تشکیل شد، بحث در مورد بودجه چهار دوازدهم ادامه یافت و کلیات آن به تصویب رسید. در همین جلسه نخست‌وزیر طی سخنانی تاکید کرد که باید به وضع تجاری که سودهای هنگفت می‌برند، رسیدگی کرد.

اولین ناطق قبل از دستور جلسه، چراغزاده ذوقی، نماینده مردم رامهرمز، بود. وی طی سخنانی از جمله گفت: دزخیمان استعمار و استثمار و سردمداران امپریالیسم برای مقابله با قیام‌ها بساط مکر و فریب خود را پهن کرده‌اند و انواع برنامه‌ها را برای نابودی نیروهای مردمی بکار می‌گیرند. این برنامه‌ها گاه بصورت فشارهای اقتصادی، نظامی، ایجاد جو تشنج داخلی و زمانی هم در قالب برنامه‌های گسترده و شامل ترکیبی از همه اینها می‌شود و ملت ما در معرض تمامی این تهاجمات از جانب امپریالیسم آمریکا قرار گرفت».

وی افزود: «(دشمن) زمانیکه احساس کند یارای مقابله با سیل خروشان ملت را ندارد، دست به ایجاد کانالهای انحرافی می‌زند تا انقلاب را از مسیر خود با کمک عوامل داخلی به انحراف بکشاند و شیوه‌ای اتخاذ کند تا این انحراف را مترقی جلوه دهد».

وی در همین زمینه به توطئه «از اعتبار انداختن محتوای کلمات رهبر» اشاره کرد. ناطق در قسمتی دیگر از سخنانش گفت: «امام در پیام نوروزی امسال فرمودند، امسال سال قانون است و همگی شاهد بودیم که باز برای مقابله با این کلام تلاشها شد، تاجائیکه به قوه قانون‌گذاری این جمهوری با تمام نیرو حمله ور شدند، تا شاید به خیال خام خود آنرا از صحنه بیرون کنند، اما قاطعیت مجلس و موج همیشه خروشان این دریا، یعنی امام باسختان اخیرشان، آنها را از میدان به کنار زد. و فاجعه آنجاست که برای بی‌اعتبار کردن سخنان امام بخود امام تکیه شود و این انتخاب رذیلانه‌ترین روش نفاق است».

ناطق آنگاه خطاب به کسانی که فریاد «وا آزادی» می‌کشند، گفت: «شما که در دفاع از آزادی قلم می‌زنید عقیل‌مینویسید و در سوگ آزادی خود را عزادار جلوه می‌دهید، چرا با توجه به تمامی حملات و تهدیداتی که انقلاب می‌شود،

به سود زحمتکشان، برنامه مشخص...

که این جنگ ما تحمیل شده است و دشمن از حیث تسلیحات بر ما برتری دارد (حتی ۳ بر یک) ما تنها در اثر برتری روحی تاب مقاومت آورده‌ایم و امید صدام و اربابانش را به یاس مبدل ساخته‌ایم. همه اعتراف می‌کنیم که پیروز اختلافات در بین مسئولان کسوری روحیه مردم ما را در پشت جبهه تضعیف میکند و اثرات این تضعیف روحیه چنانکه می‌گویند هم‌اکنون بصورت کاهش کمک به جبهه ظاهر گردیده است. پس یافتاری سود کیست؟

امروز در برابر کشور ما و مردم ما مسائل بسیار مهمی از قبیل آمادگی برای مقابله با توطئه‌های براندازی امپریالیسم آمریکا و ضد انقلاب داخلی، واگذاری زمین بدهقانان، ملی کردن تجارت خارجی، برآه انداختن صنایع، تربیت کادر مومن به انقلاب برای اداره کشور و دهها مسئله بزرگ و کوچک دیگر از این قبیل وجود دارد که حل صحیح آنها با سرنوشت انقلاب مستقیماً ارتباط می‌یابد. اگر اختلافات بر سر این مسائل و حل صحیح آنهاست، برنامه‌های خودتان را ارائه دهید، تا مردم بتوانند آگاهانه قضاوت کنند و از هر کسی که بهترین راه‌حل را ارائه میدهد، پشتیبانی کنند. از کلی‌گویی و منفی‌بافی چه سودی جز گمراه کردن مردم و کور کردن ذهن آنها بدست می‌آید؟

ما از دهان کسانی که اینهمه از روحیه ارتش صحبت میکنند، یکبار نشنیدیم و در روزنامه‌هایشان نخواندیم که کلمه‌ای درباره لزوم اجرای هر چه سریعتر بند «ج» و «س» سخن یگویند. مگر روحیه ارتش در کشوری مانند ایران، قبل از هر چیز مربوط به روحیه کشاورزان نیست؟ ۷۰-۷۵ درصد سرپازان ارتش، نیروهای بسیج و پاسدارانی که در جبهه‌ها می‌جنگند (و با احتمال قوی جنگ تحمیلی صدام هم آخرین جنگ آنان نخواهد بود) از همین دهقانان محروم ایران برخاسته‌اند. روحیه ارتش در کشوری نظیر ایران بطور کلی از روحیه دهقانان سرچشمه می‌گیرد. هیچ انقلابی نیست که بدون واگذاری زمین بدهقانان توانسته باشد از خود دفاع کند. حل انقلابی مسئله زمین ستون فقرات هر انقلاب مردمی است.

در حاشیه مجلس اجتماع گروهی از اعضای صنف کوره دستی‌های ملایر در برابر مجلس شورای اسلامی

گروهی از اعضای اتحادیه صنف کوره‌دستی‌های ملایر از اولین ساعات صبح یکشنبه در برابر مجلس شورای اسلامی اجتماع کردند. این افراد در اجتماع خود به عدم تحویل سوخت کافی برای کار کوره‌های خود اعتراض کردند. آنها همچنین از مسئولین خواستند که هر چه زودتر نفت سفید و سیاه مورد لزوم کوره‌ها در اختیارشان قرار گیرد.

دفاع نریه!

حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی در قسمتی از سخنان خود به عده زیادی از نمایندگان، که خواستار اعطاء حق دفاع در برابر سخنان دیگر نمایندگان به خود شده بودند، اشاره کرد و گفت: «مثلاً وقتی از وزارت نفت سابق صحبت می‌شود... می‌خواهند برای دفاع صحبت کنند... در اینموقع حجت‌الاسلام سیدعلی خامنه‌ای گفت: «خوب، آقای نریه باید دفاع کند»

این دام را بدرستی تشخیص می‌دهند و اینقدر هوشیار هستند که پا در میان آن نگذارند؟ امیدواریم مسئولان مملکتی خطر را در تمام ابعاد آن درک کنند.

اگر ما این انقلاب را از خودمان و خودمان از این انقلاب میدانیم باید شیوه انتقاد تحریبی را به شیوه انتقاد سازنده بدل کنیم. معنای ارائه راه حل صحیح است که خود بخود با اثبات نادرستی راههای دیگر همراه خواهد بود. در این شیوه انتقاد طرفین مکمل یکدیگرند، نه نافی هم، در يك جبهه‌اند، نه در دو جبهه مقابل. در کشوری که خود را از گنداب شاهنشاهی بیرون کشیده و از همان نخستین لحظه انقلاب به هزاران توطئه و دسیسه روبرو بوده است، هزاران نقطه ضعف و اشتباه میتوان یافت، که اگر بخواهیم هر يك از آنان را زیر ذره‌بین بگذاریم، تا مرز جنایت و خیانت بزرگ خواهد شد. آنکس که دلسوز انقلاب است،

آیا جز اینست که لیبرالها، این سخنگویان سرمایه، با تمام نیرو به اختلافات مصنوعی دامن می‌زنند و با طرح انواع اقسام مسائل فرعی و کوچک لای چرخ دولت چوب می‌گذارند؟ بررسی حوادث ما را به این نتیجه میرساند که دامن زدن به اختلافات تاکتیک سرمایه‌داری لیبرال در این مرحله است تا اولاً فکدار دولت در مسائل مهم تصمیم قاطع بگیرد، ثانیاً با آشفته کردن جو داخلی، زمینه اجتماعی را برای بازگشت به قدرت فراهم سازد. تاکتیک سرمایه‌داری لیبرال در این مورد صد درصد با سیاست امپریالیسم که هدف آن روی کار میانه‌رو در ایران است، منطبق است. تنها مسئله‌ای که باقی میماند آنست که مسئولان که خودشان را در برابر انقلاب و مین متعهد میدانند، در برابر این تاکتیک سرمایه‌داری لیبرال و امپریالیسم چه موضعی اتخاذ میکنند. آیا

انقلاب از ناحیه تجاوز امپریالیستی (در لحظه کنونی از عراق و سپس معلوم نیست از کجا) بخطر افتاده است. موضع شما در این مسئله بنیادی چیست؟ گرانی روزافزون، کاهش درآمد واقعی کارگران و زحمتکشان در روحیه سربازانی که در جبهه‌ها می‌جنگند، مستقیماً تأثیر می‌گذارد. سرمایه‌داران بزرگ مسئول اصلی این گرانی هستند. برنامه شمار برای رفع این گرانی چیست؟ برای تامین و تضمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی - که اینهمه از آن دم می‌زنید چه برنامه مشخصی دارید؟ در آنچه بعنوان موارد اختلاف مطرح میشود، ما يك مسئله اصولی از این قبیل نمی‌بینیم. گوئی تمام این اختلافات مصنوعی تنها به این نیت پیمان کشیده میشود که مردم را از مسائل اصلی منصرف کنند و به زمینداران بزرگ و کلان - سرمایه‌داران امکان بدهند که در بازار آشفته بپزدی و غارت خود ادامه دهند و در آب گل‌آلود ماهی بگیرند.



تظاهرات مردم بریتانیا علیه سیاست اقتصادی تاجر و بیکاری گسترده

در روز ۱۰ خرداد ۶۰، بیش از ۱۰۰ هزار بریتانیایی در تظاهراتی علیه سیاست اقتصادی دولت محافظه کار این کشور شرکت کردند. پیش از این تظاهرات، که در میدان ترافالگار برگزار شد، پایتخت بریتانیا شاهد پایان فرامی پیمایی علیه بیکاری بود که روز ۱۱ اردیبهشت (اول ماه مه) در لیورپول آغاز گردید. شماره بیکاران بریتانیا، بموجب آمارهای رسمی، از مرز ۲ میلیون گذشته و همواره رو به افزایش است.

مناخیم بگین: اسرائیل به حملات خود به لبنان ادامه خواهد داد

اسرائیل بار دیگر به تهدید لبنان پرداخته است. مناخیم بگین در تل آویو گفت که ارتش اسرائیل به حملات خود به این کشور عربی ادامه خواهد داد. اسرائیل تقریباً هر روز خاک لبنان را زیر آتش می گیرد و به جدایی خواهان لبنان کمک نظامی و مالی میدهد. روزهای ۱۱-۱۰ خرداد ۶۰، راستگرایان افراطی لبنان با «نیروهای پاسدار صلح عرب» در بیروت و دیگر شهرهای لبنان درگیر شدند. تنها در بیروت ۲۰ تن بهلاکت رسیدند و بیش از ۲۰۰ نفر مجروح گردیدند.

نخست وزیر چین در سفر خود به پاکستان از يك «اردوگاه افغانی» سرکشی میکند

نخست وزیر چین روز ۱۱ خرداد ۶۰ دیدار خود را از پاکستان آغاز کرد. وی، فزون بر گفتگو با ضیاءالحق و دیدار از يك پایگاه هوایی، از يك باصطلاح «اردوگاه افغانی» نیز سرکشی بعمل خواهد آورد. در چنین «اردوگاه»هایی تروریستهای افغانی، پیش از گسیل به افغانستان برای اقدامات خرابکارانه و کشتار، آموزش می یابند. ازسوی دیگر، در اسلام آباد اعلام شد که جیمز بتلی، معاون وزارت خارجه آمریکا، روز ۲۲ خرداد ۶۰، برای گفتگوهای بیشتر پیرامون واگذاری جنگ افزار به پاکستان، وارد آن کشور خواهد گردید. پاکستان بیشتر سلاحهای خود را از آمریکا و چین دریافت میدارد. این سلاحها برای افزایش تشنج در منطقه بکار برده می شود.

پایان کنگره حزب کمونیست آلمان در هانور

کنگره حزب کمونیست آلمان از همه شهروندان آلمان غربی خواسته است تا به موشکهای «ناتو»، «له» بگویند و در راه صلح مبارزه کنند. بگفته این فراخوان: «مهمترین وظیفه ما امروز عبارتست از یکبار علیه استقرار موشکهای جدید هسته ای میان برد آمریکائی در آلمان غربی». کنگره هانور کمونیستهای جمهوری فدرال آلمان درباره هدفها و وظایف حزب برای تضمین حقوق اجتماعی و دمکراتیک طبقه کارگر و جوانان و علیه منع اشتغال («بروفزربوت») به بحث پرداخت. کنگره حزب کمونیست آلمان خواسته است که به فعالیت های سازمانهای ثنوفاشیستی پایان داده شود. هربرت میتر بار دیگر به سمت صدر حزب کمونیست آلمان انتخاب گردید.

کارزار انتخابات پارلمانی در فرانسه آغاز شد

روز دوشنبه ۱۱ خرداد ۶۰، کارزار انتخابات پارلمانی در فرانسه آغاز شد. دور نخست انتخابات در روز ۲۴ خرداد ۶۰ برگزار خواهد گشت. کاندیداهایی در این دور انتخاب خواهند شد، که اکثریت مطلق آراء را بدست آورند. دیگران باید در دور دوم شرکت کنند؛ در این دور اکثریت نسبی برگزازی انتخابات پارلمانی فرانسه، هنگامی ضرورت یافت، که هیتران، رئیس جمهور جدید فرانسه، پارلمان آن کشور را منحل کرد.

نیروهای دولتی بنگلادش در چیتا کونگ مستقر شدند

بگفته دولت بنگلادش، رژیم این کشور کنترل کامل خود را بر شهر چیتا کونگ باز یافته است. روز شنبه ۹ خرداد ۶۰، ضیاءالرحمان، رئیس جمهور بنگلادش در این شهر کشته شد. یکی از سخنگویان دولت بنگلادش گفت که «ارتش بدون شلیک حتی يك تیر چیتا کونگ را باز گرفت». بگفته او، گروهی از شورشگران، که مسئول قتل ضیاءالرحمان بوده اند، از شهر گریخته اند و نیروهای دولتی در جستجوی آنها هستند. روز شنبه گذشته، گروهی بدستور ژنرال منصور احمد، به اقامتگاه ضیاءالرحمان در چیتا کونگ حمله بردند و، علاوه بر او، محافظ ویکی از همکاران او را کشتند.

تروریستهای راستگرا يك ایستگاه تلویزیونی را در نزدیکی بارسلنا منفجر ساختند

در روز ۱۰ خرداد ۶۰، گروهی ناشناس يك ایستگاه تقویت تلویزیونی را نزدیک بارسلنا منفجر کردند. این انفجار پس از رؤمائی بمناسبت «روز نیروهای مسلح» در اسپانیا صورت گرفت، که خوان کارلوس، پادشاه اسپانیا، از آن سان دیده بود. نزدیک به دو هفته پیش، افراطیون به بانک مرکزی بارسلنا حمله بردند و بیش از ۲۰۰ تن را به گروگان گرفتند. آنها خواستار آزادی چهار سرکرده کودتای نافرجام اواسط زمستان اسپانیا بودند، که از سوی ارتشیان راستگرا بدان اقدام شد. پس از حمله پلیس به ساختمان بانک، برخی از تروریستها بازداشت گردیدند و تنی چند نیز گریختند.

اعلامیه سازمان حزب توده ایران در داراب فارس:

ضد انقلاب کشتار دهقانان مبارز را آغاز کرده است

در شهرستان داراب، دامنه تشنج و درگیری و کشتار دهقانان و نمایندگان از جان گذشته آنها، بالا گرفته است. اخبار متعدد حاکی از زدو خورد بین دهقانان بی زمین و کم زمین از يك طرف و مالکین و فئودالها و خانها و عوامل مستقیم و غیر مستقیم آنها، از طرف دیگر است. در يك ماه گذشته سه تن از شریفترین و سرسختترین دهقانان زحمتکش به نامهای بهروز توپخت، اسد گشاورز و سیاه (شاهرخ پستان)، که روستائیان رنج دیده و ستم کشیده روستاهای دویبان، گوهرگرد و دویرج داراب، آنها را بعنوان نمایندگان واقعی خود انتخاب کرده بودند، بوسیله خانها، فئودالها و عوامل آنها به خاک و خون غلتیدند و شهید شدند.

بدینسان، ضدانقلاب منطقه، طبق نقشه شومی که دامنه گسترده ای دارد، کشتار مبارزترین زحمت کشان و نیروهای مدافع آنها را آغاز کرده است. در تاریخ ۲۲/۲/۶۰ در روستای «میراب» (ده کیلومتری داراب) در يك درگیری، پاسداری بنام موسوی به قتل رسید. در مراسم تشییع جنازه این پاسدار شهید، که در روستای خسرویه برگزار گردید، گروه کثیری از اهالی به طرفداری از سیاه پاسداران و علیه ضدانقلاب و فئودالها دست به تظاهرات زدند. فرمانده سپاه پاسداران داراب، احمدعلی قدسی، در يك سخنرانی در این مراسم گفت: «ضدانقلاب و فئودالهای منطقه دست اندر کار اجرای نقشه شیطانی وسیعی می باشند». او از جمله فاش ساخت که در نتیجه تحقیقات روشن شده است که ضدانقلاب قصد دارد که مقامات مسئول منطقه، از جمله فرماندار و فرمانده سپاه پاسداران داراب را ترور کند.

حزب توده ایران - سازمان داراب، بر بنیاد این سخنان و طبق اطلاعات موثق هشدار میدهد که ما بار دیگر توجه کلیه مقامات مسئول شهرستان داراب را به خطر بسیار جدی که اکنون منطقه ما با آن روبروست، جلب می کنیم و آمادگی خود را کماکان در کلیه زمینه ها برای دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، به منظور درهم شکستن توطئه دشمنان مستضعفین، اعلام می داریم.

اعلامیه سازمان ایالتی حزب توده ایران در خراسان:

ضد انقلابیون افغانی در کوههای خراسان مسلح شده اند

به دنبال گسترش فعالیت های مخرب باندهای ضدانقلابیون افغانی در ایران، بویژه در خراسان، سازمان ایالتی حزب توده ایران در خراسان اطلاعیه ای منتشر کرد که متن آن چنین است: هموطنان مبارز خراسانی! در شرایط دشوار و حساس کنونی که مبین انقلابی ما با جنگ تحمیلی آمریکا - صدام روبروست و نزدیک به ۲ میلیون نفر هموطن آواره داریم، بسار مشکلات فراوان ناشی از وجود ۵۰ تا ۲ میلیون افغانی مهاجر نیز بر دوش اقتصاد جنگ زده ما سنگینی می کند. از طرف دیگر، وجود این همه مهاجر افغانی در ایران، زمینه فعالیت گسترده ای برای ضدانقلاب فراهم ساخته است، که به شدت و با ابعاد روزافزون در میان آنها کار می کند. کارفرمایان و سرمایه داران، نیز از وجود مهاجران افغانی برای دادن مزد کمتر و گرفتن کار بیشتر سوء استفاده میکنند. اما مهمترین مسائل نگران کننده، که مقامات مسئول استان باید آنها را مورد توجه جدی قرار دهند، موارد زیر است: (۱) مدت ها است ضدانقلابیون افغانی اقدام به خرید صدها دست لباس ارتشی و سپاه و نیز فابوسقه، کاسکت و کمربند کرده اند. باندهای ضدانقلابی افغانی با استفاده از آنها در اقدامات خرابکارانه خویش، می توانند زمینه را برای بدبین ساختن مردم نسبت به ارکانهای انقلابی فراهم سازند. (۲) از مدتی قبل فئودالها و سرمایه داران فراری افغانی اقدام به خرید خانه، زمین و ماشینهای گرانقیمت کرده اند. برخی از اینان، حتی لباسهای افغانی را به کنار گذاشته اند و با پوشیدن لباسهای ایرانی سعی دارند که در فعالیتهای خرابکارانه و ضد انقلابی خویش کمتر شناخته شوند. (۳) براساس اطلاعات رسیده، دسته های مسلح افغانی اخیراً در کوههای «زشک»، «دولت آباد» و «گنگ» و جنگلهای اطراف مشهد دیده شده اند. باتوجه به این حوادث، حزب توده ایران - سازمان ایالتی خراسان اعلام میدارد: اکنون که امپریالیسم آمریکا در تدارک گسترش آشوب و تشنج و ایجاد جنگ داخلی است، باید پیش از پیش نسبت به رویدادهای یادشده هوشیار و گوش بزنگ بود. حوادث اخیر سیستان و

نام مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران
دارنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بهزادی
خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸
(دفتر «نام مردم» هنوز در اختیار «نام مردم» نیست)
چاپ: کاویان

NAMEH MARDOM
No. 526
2 June 1981

Price:

West-Germany	0.80	DM
France	2	Fr.
Austria	8	Sch.
England	20	P.
Belgium	10	Fr.
Italy	350	L.
U.S.A.	40	Cts
Sweden	1.50	Skr.

خوانندگان گرامی «نام مردم» و همه مقامات دولتی و غیردولتی میتوانند به آدرس زیر «نام مردم» مکاتبه کنند:
صندوق پستی ۴۱/۳۵۵۱، منطقه ۱۴ پستی تهران

با تشکیل شورای تفاهم ملی، جبهه متحد خلق را پی بریزیم